

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



مبانی تحلیل متن

دیباچه درس

هی‌گن آگه یه تبر بهوت دادن و گفتن این ۴ تا درفت رو با ۵ روز وقت قطع کن، شما ۳ روز وقت بزار برای تیز کردن تبر! ما هم توی درس‌هایی مثل درس اول، همین کارو می‌کنیم! تبرمون رو تیز می‌کنیم واسه به زانو درآوردن و انداختن هرچی سؤال و تست مربوط به علوم و فنون ادبیه! اما این قبلی مهمه که نکات مهم اصطلاحات رو به خوبی یاد بگیریم! چون هرچی بهتر یاد بگیریم، تبرمون تیزتر می‌شه! پس اهمیت درسی اول رو نسبت به درسا و فصلای بعدی کم‌تر ندون!

توی این درس سعی کن بعد از شناختن متن و فهمیدن تعریف ادب و ادبیات در زمان‌های مختلف، قبلی قوب فرق‌های بین زبان و ادبیات رو یادگیری و در آخر کار، قبلی دقیق (قبلی‌ها) فصاحت و بلاغت رو بشناسی و باهاشون قبلی آشنا و صمیمی بشی! چون با شناختن این دو اصطلاحه که می‌تونن در دروس بعدی، اصطلاحات بعدی رو هم بشناسی.

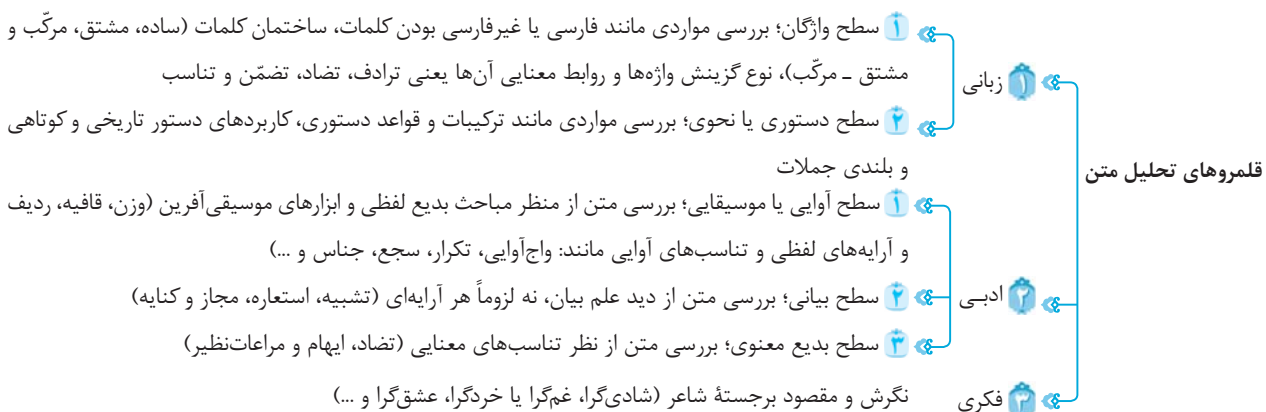
تعریف متن: هر چیزی که ذهن ما را به پویایی وادار کند، متن است.

پویایی در این‌جا یعنی هر چیزی که ذهن انسان را درگیر کرده و برای فهم مطالب و موضوع، آن را وادار به تحرک و تلاش کند. پس بدیهی است که با این تعریف، متن فقط نوشته‌ی روی کاغذ و کتاب نیست؛ صدایی که می‌شنویم، بویی که حس می‌کنیم، رویدادی که می‌بینیم، مزه‌ای که می‌چشیم و چیزی که لمس می‌کنیم، هر کدام متن به‌شمار می‌آیند. پس متن‌ها می‌توانند شنیداری، بویایی، دیداری و به گونه‌های دیگر باشند. برای مثال کتاب‌ها متون دیداری هستند؛ زیرا یک موضوع دیدنی هستند که اگر خوانده شوند، یک متن شنیداری یا خوانداری می‌شوند؛ زیرا شنیده و خوانده می‌شوند.

در این کتاب مقصود از متن، آثار شعر و نثر فارسی است.

برای شناخت و ارزیابی متون، لازم است معیارهایی طراحی گردد و روش کار بیان شود.

یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها این است که متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر بررسی شود.



در یک نگاه کلی، متون یا آثار مکتوب ادبی را به دو بخش، تقسیم می‌کنیم:

الف) شعر (ب) نثر

در این درس، نمونه‌های متن‌های شعر و نثر به صورت عملی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

برای این کار، باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. خوانش / ۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی / ۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی / ۴. شناسایی و استخراج نکات فکری / ۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

خوانش شعر

خواندن دقیق متن نخستین گام مؤثر در رویارویی با متن است. برای به دست آوردن نحوه درست خواندن و در اصطلاح کشف لحن و آهنگ شعر، یک نگاه کلی و گذرا به متن پیش از خواندن آن مفید است.

بعد از شناسایی لحن و آهنگ (ظاهر متن) خواندن پشت سر هم یا به اصطلاح، یکباره و بی‌گسست متن، در فهم معنا (باطن متن) و درک ارتباط طولی و فهم محتوا، بسیار مؤثر است.

پس ابتدا شکل و ظاهر شعر و سپس معنا و بطن شعر را باید مورد توجه قرار داد.

حالا به سراغ خواندن شعر زیر که لحنی روایی - داستانی دارد و از الهی‌نامه عطار انتخاب شده است، می‌رویم و با لحن روایی - داستانی^۱ می‌خوانیم:

به دام افتاد روباهی سحرگاه به روبه‌سازی اندیشید در راه

بازگردان: وقت سحر روباهی در دام گرفتار شد و با استفاده از روباه‌صفتی و زیرکی خود به فکر چاره افتاد.

که گر صیاد بیند هم‌چنینم دهد حالی به گاژر پوستینم دل

بازگردان: به خود گفت: «اگر صیاد مرا در این وضعیت ببیند، پوستم را می‌کند و برای تمیز شدن و آماده شدن برای استفاده و فروش، به رخت‌شوی می‌دهد.

پس آن‌گه، مرده‌کرد او خویش‌تن را ز بیم جان، فروافکند تن را

بازگردان: پس خودش را به مردن زد و از ترس کشته شدن خود را روی زمین انداخت.

چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت نمی‌بارست روبه را کم انگاشت

بازگردان: وقتی شکارچی رسید، فکر کرد که روباه مرده است، اما نمی‌توانست صرف‌نظر کند و او را کم‌ارزش بداند.

ز بُن ببرید حالی گوش او لیک که گوش او به کار آید مرا نیک

بازگردان: اما گوشش را از انتهای آن برید، درحالی‌که با خود گفت: «گوشش خیلی به دردم می‌خورد.»

به دل روباه گفتا: «ترک غم گیر چو زنده مانده‌ای، یک گوش، کم گیر»

بازگردان: روباه با خود گفت: «ناراحت نباش همین‌که زنده مانده‌ای کافی است و آن یک گوش را بی‌ارزش بدان.»

یکی دیگر بیامد گفت: «این دم زبان او به کار آید مرا هم»

بازگردان: شخص دیگری رسید و گفت: «حالا زبانش هم به درد من می‌خورد.»

زبانش را برید آن مرد، ناگاه نکرد از بیم جان یک ناله روباه

بازگردان: آن مرد زبان روباه را به سرعت برید و روباه از ترس جانش و این‌که آن مرد بفهمد زنده است، صدایش درنیامد و حتی آه و ناله‌ای هم نکرد.

دگر کس گفت: «ما را از همه چیز به کار آید همی دندان او نیز»

بازگردان: شخص دیگری گفت: «از اعضایش، دندانش هم به درد من می‌خورد.»

نزد دم، تا که آهن درفکندند به سختی چند دندانش بکندند

بازگردان: باز هم صدایی از روباه درنیامد تا وسیله آهنی کشیدن دندان در دهانش انداختند و با زحمت، چند دندانش را از جای کشیدند.

به دل، روباه گفتا: «گر بمانم نه دندان باش و نه گوش و زبانم»

بازگردان: روباه با خودش گفت: «تنها خواسته من زنده ماندن است و اگر زنده بمانم دندان و گوش و زبان نمی‌خواهم.»

دگر کس آمد و گفت: «اختیار است دل روبه، که رنجی را به کار است»

بازگردان: شخص دیگری آمد و گفت: «حال که من اختیار دارم برای بردن اجزای روباه، دل روباه را می‌خواهم که روزی به کار می‌آید.»

چو نام دل شنید از دور روباه جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه

بازگردان: همین‌که روباه اسم دل را از آن فاصله شنید، ناگهان سرش گیج رفت و دنیا پیش چشمش تیره و تار شد.

به دل می‌گفت: «با دل نیست بازی کنون باید به کارم حيله‌سازی»

بازگردان: به خودش گفت: «بود و نبود دل شوخی بردار نیست، حالا دیگر باید به فکر چاره‌ای باشم.»

بگفت این و به صد دستان و تزویر بجست از دام، هم چون از کمان، تیر

۱- لحن روایی - داستانی یعنی خواندن شعر با سرعت کمی بیشتر از حالت عادی، به طوری‌که قصد بر تعریف داستان و اتفاقی است.

بازگردانی این را با خودش گفت و با تلاش و مکر و حیلۀ بسیار مانند تیری که از کمان رها می‌شود، از دام بیرون پرید.
 حدیث دل، حدیثی بس شگفت است که در عالم حدیثش درگرفته است
بازگردانی موضوع دل، موضوعی بسیار شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است و به همین دلیل است که آوازه‌اش در جهان پیچیده است.

شناسایی و استخراج نکات زبانی

بعد از خواندن شعر، آن را از دیدگاه زبانی بررسی می‌کنیم؛
 وجود واژگان کهن مانند **گازر** (رخت‌شوی) و **نمی‌یارست** (نمی‌توانست)
 کمی واژگان غیرفارسی
 کاربرد شبکه معنایی مانند **حیله**، **دستان**، **تزویر** و **دام** و «دل، زبان، گوش و دندان»؛ یعنی **کلمه‌ها با هم ارتباط معنایی دارند!**
 ترکیب‌سازی مانند **روبه‌باز** و **حیله‌سازی**
 کاربردهای تاریخی دستور مانند **مرده کرد**، **نمی‌یارست**، **کم انگاشت** و **به کار آید همی**
 سادگی و کوتاهی جمله‌ها مانند **به دام افتاد روپاهی سحرگاه**، **به روبه‌بازی اندیشید در راه و ...**
 زبان شعر ساده و روان است و پیچیدگی ندارد.
 ساختمان ساده کلمات مانند **دام**، **روپاه**، **صیاد** و ...
نکته ساختمان ساده کلمات به این معنی است که آن‌ها به اجزای معنادار کوچک‌تر تقسیم نمی‌شوند. برای مثال کتابخانه عبارت است از کتاب + خانه درحالی‌که روپاه به اجزای کوچک‌تری تقسیم نمی‌شود.

شناسایی و استخراج نکات ادبی

نمونه‌هایی از نکات ادبی شعر عطار به شرح زیر است:
 قالب شعر «مثنوی» است؛ زیرا قافیه‌ها در پایان هر دو مصراع هر بیت آمده‌اند.
 قالب مثنوی:
 × _____
 ○ _____
 △ _____

«ترک غم گرفتن»، «دم زدن» و «تیره شدن جهان بر چشم او»، آرایه کنایه است.
 «بجست از دام، هم‌چون از کمان، تیر» تشبیه و «دام، تیر و کمان» مراعات‌نظیر دارد.

شناسایی و استخراج نکات فکری

در چهارمین مرحله به سراغ استخراج نکات فکری شعر خواهیم رفت:
 از مقایسه اجزای بدن (گوش، زبان و دندان) با دل و برتری دادن آن به همه اجزاء، به جایگاه والای آن در نظر شاعر پی می‌بریم.
 عبارت «با دل نیست بازی» تفکرات عرفانی را نشان می‌دهد.
 شعر با وجود ظاهر ساده و داستانی‌اش یک نکته عمیق معرفتی دارد و آن این‌که «دل همه‌چیز وجود ما» است و دلیل ارزشمندی‌اش این است که دل، خانه و جایگاه خداوند است.
 شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد، اما نتیجه‌گیری پایانی، مفهومی ذهنی و معنوی است.

نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نوع ادبی اثر «تعلیمی - عرفانی» است و از آن‌جا که موضوع شعر «حکمت و معرفت» (ارزش‌های اخلاقی و عرفانی در راستای شناخت خداوند و حقیقت وجود) است، شاعر برای بیان این موضوع از ظرف «داستان» استفاده کرده است.
نکته برای بیان موضوع حکمت و معرفت که سنگین و پیچیده است، از قالب داستان استفاده می‌شود تا موضوع اصلی قابل فهم‌تر شود.



ابتدا متن را با دقت می‌خوانیم؛ برای درک هر چه بهتر متن، لازم است نشانه‌های نگارشی را رعایت کنیم؛ متن زیر رو برات تیکه تیکه کردم که راحت تر بفونی و معنی کنی!

۱ « چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلاق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.

بازگردانی وقتی فهمیدم که انسان برترین مخلوقات است و ارزش روزهای عمر و زندگی خود را نمی‌داند، متعجب شدم و هنگامی که خوب دقت کردم، متوجه شدم که مانع این قدرشناسی، قناعت کردن به کم‌ترین آسایش در زندگی و برآورده کردن نیازهای حقیر است که انسان‌ها گرفتار آن شده‌اند.

۲ هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم‌چون آن مرد است که از پیش‌آشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روییده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت.

بازگردانی هرکس سرگرم مشغله‌های دنیوی شود و از سعادت و خوشبختی خود در آخرت غفلت کند و آن را از یاد ببرد، مانند آن مردی است که از ترس حمله شتر مست فرار کرد و به ناچار خودش را در چاهی آویزان کرد و دو شاخه‌ای را که در بالای چاه بود، گرفت و پاهایش نیز بر جایی ثابت شد.

۳ در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر فعر چاه افکند، اژدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد.

بازگردانی در این شرایط وقتی دقیق‌تر نگاه کرد، متوجه شد که هر دو پای او روی سر چهار مار قرار دارد که سر خود را از سوراخ دیواره‌های چاه بیرون آورده‌اند. سپس به ته چاه نگاه کرد؛ اژدهایی ترسناک دید که دهانش را باز کرده و منتظر افتادن او بود.

۴ به سر چاه، التفات نمود. موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست.

بازگردانی به بالا و سر چاه نگاه کرد و متوجه شد که موش‌های سیاه و سفید، بدون توقف در حال جویدن شاخه‌ها از ریشه و بن هستند. او در این میان به فکر راهی برای رهایی بود.

۵ پیش‌خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلوغ می‌نمایند و ...، چندان‌که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان اژدها افتاد.

بازگردانی ناگهان روبه‌روی خود یک کندوی زنبور عسل و مقداری عسل دید؛ مقداری از آن را خورد و آن قدر مزه عسل برایش دلنشین بود که وضعیت خود را فراموش کرد و متوجه نبود که پایش روی سر چهار مار است، درحالی‌که نمی‌شد حدس زد چه زمانی او را نیش می‌زنند و از طرف دیگر هم موش‌ها با جدیت بسیار مشغول بریدن شاخه‌ها بودند و ... درنهایت شاخه شکست و آن درمانده طمع‌کار در دهان اژدها افتاد.

۶ پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز، و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد،

بازگردانی با این مثال درحقیقت من جهان را به آن چاه پرخطر تشبیه کردم و موش‌های سیاه و سفید و پیگیری آنان در بریدن شاخه‌ها را به شب و روز مانند کردم و آن چهار مار را به سرشت و طبع‌های چهارگانه تشبیه کردم که ستون آفرینش انسان است و هرگاه یکی از آن‌ها بر سایر طبع‌ها غلبه پیدا کند، مانند زهرکشنده است.

۷ و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند.

بازگردانی و چشیدن عسل و شیرینی آن را به لذت‌های دنیایی تشبیه کردم که سودش کم و ضررش بسیار است و با سرگرم کردن انسان، راه نجات او را می‌بندد.

۸ و اژدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آن‌گاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.

بازگردانی و منظورم از اژدها مرگ است که هیچ راه و چاره‌ای برای آن نیست و همه انسان‌ها یقیناً با آن مواجه خواهند شد و در آن زمان دیگر پشیمانی فایده‌ای ندارد و راه بازگشت و جبران اشتباهات فراهم نمی‌شود.

۱- در طب سنتی، طبع انسان چهار نوع دارد که عبارت‌اند از: دم، بلغم، صفرا و سودا که به بر هم خوردن تعادل آن‌ها در بدن باعث بروز بیماری می‌شود.

کاج علوم و فنون ادبی ۱

شناسایی و استخراج نکات زبانی

- کاربرد واژه‌های کهنی که امروزه به شکل دیگری به کار می‌روند: اُشتر (شتر)، شاخ (شاخه)، بنگریست (نگاه کرد) و نتوان دانست (نمی‌توان فهمید)
- جمع بستن واژه «موش» با نشانه «ان» (امروزه برای این واژه به جای «ان» از «ها» استفاده می‌شود).
- به کارگیری کلمه «بگسست» در معنی «بریده شد، شکست»
- به کارگیری «شهد» در معنی «عسل» (امروزه در معنی شیرۀ گل یا دیگر مواد شیرین است).
- کاربرد کلمه «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیرانسان (امروزه بیشتر برای انسان به کار می‌رود).
- جدانویسی نشانه منفی‌ساز فعل «ن»؛ مثل «نه‌اندیشید» به جای معادل امروزی «نیندیشید»
- کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله: خلاص خود را طریقی می‌جست.
- کاربرد ترکیب زنبورخانه (به جای لانه زنبور یا کندوی امروزی)
- کوتاه و قابل فهم بودن بیشتر جمله‌ها

شناسایی و استخراج نکات ادبی

- شبکه معنایی میان «شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت» (همون آرایه مراعات نظیره)
- تضاد میان زوج‌های «سیاه و سفید»، «پا و سر»، «سر و قعر» در ترکیب «سر چاه و قعر چاه»، «زهر و شیرینی» یا «زهر و شهد»، «رنج و لذت»، «اندک و بسیار»
- بهره‌گیری از تمثیل برای بیان مفهوم غفلت انسان
- نکته: تمثیل یعنی آوردن مثال برای انتقال بهتر مفهوم. مثلاً به جای گفتن این‌که نعمت‌های دنیا انسان را از مسیر اصلی خود منحرف می‌کند، از مثال کندوی عسل استفاده می‌کند.

شناسایی و استخراج نکات فکری

- در متن، تفکر حکمی و تعلیمی وجود دارد و نویسنده برای بیان مقصود خود یعنی بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهانی (دنیا در خدمت آخرت) در جایگاه پند و اندرز به مخاطب چند نکته را یادآور می‌شود:
- شریف بودن انسان در میان مخلوقات
- گران‌بها بودن لحظات عمر
- هوشیاری و پرهیز از خوشحالی‌های زودگذر
- روی هم رفته نویسنده به جایگاه و ارزش انسان نگاهی مثبت و خوش‌بینانه دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر نگرش منفی.

نتیجه‌گیری و تعیین نوع

- با توجه به نکات ذکر شده در نکات فکری و دیگر مراحل کالبدشکافی، نویسنده می‌خواهد این فکر را به خواننده انتقال دهد که:
- باید نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشیم.
- قدر لحظه‌های عمر خویش را بدانیم.
- هوشیاری خود را حفظ کرده و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشویم که حقیقت هستی و نیز جهان آخرت از یادمان برود.
- سعادت و خوشبختی حقیقی، کسب خشنودی خدای بزرگ است.
- با توجه به کالبدشکافی انجام شده و تأکید محتوای اثر، به این نتیجه می‌رسیم که نوع ادبی نثر، نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی است.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- کدام گزینه از شگردهای هنری زبان کم‌تر بهره گرفته است؟

- (۱) به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم
 (۲) جهان پیر است و بی‌بنیاد از این فرهادکش فریاد
 (۳) ز تاب آتش دوری شدم غرق عرق چون گل
 (۴) دل من همی داد گفستی گواهی

۲- کدام گزینه از نظر استفاده از شگردهای هنری زبان ضعیف‌تر است؟

- (۱) من ماه ندیده‌ام کله‌دار
 (۲) کمال هم‌نشین در من اثر کرد
 (۳) یا چهره بیوش یا بیوشان
 (۴) کاش آن زمان درآمدی از کوه تا به کوه

۳- کدام گزینه استفاده کم‌تری از شگردهای هنری داشته است؟

- (۱) بیرون ز حساب نام لیلی
 (۲) ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
 (۳) مدعی طعنه زند در غم عشق تو زیادم
 (۴) از باد صبا دم تو جوید

۴- کدام گزینه درباره دیدگاه‌های مختلف بررسی متن نادرست است؟

- (۱) سطح واژگانی و بررسی کلمات متن در قلمرو زبانی قرار می‌گیرد.
 (۲) قلمرو زبانی شامل دو سطح و قلمرو ادبی شامل سه سطح است.
 (۳) در سطح آوایی یا موسیقایی، موضوعاتی چون وزن، قافیه و... مورد مطالعه است.
 (۴) قلمرو فکری شعر تنها در دو سطح مادی و معنوی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۵- در کدام گزینه، زیرمجموعه‌های قلمرو «زبانی» آمده است؟

- (۱) سطح دستوری - سطح معنایی (۲) سطح معنایی - سطح نحوی (۳) سطح واژگانی - سطح دستوری (۴) سطح نحوی - سطح نگارشی

۶- کدام گزینه به ترتیب درباره سطوح قلمرو «ادبی» بررسی یک اثر درست و درباره سطوح «فکری» بررسی آن نادرست است؟

- (۱) سطح آوایی یا موسیقایی - دارای آرایه و فاقد آرایه ادبی
 (۲) سطح بدیع معنوی - خردگرا و عشق‌گرا
 (۳) سطح بیانی - خوش‌بین و بدبین
 (۴) سطح زیبایی‌شناسی - فلسفی و روان‌شناختی

۷- کدام گزینه مصداق مناسبی برای سطوح قلمرو «زبانی» نیست؟

- (۱) بررسی فارسی یا غیرفارسی بودن واژه‌ها - بررسی نوع ساختمان واژگان (۲) بررسی کاربردهای دستور تاریخی - بررسی ترکیبات و قواعد دستوری
 (۳) بررسی کوتاهی و بلندی جمله‌ها - بررسی روابط معنایی کلمات (۴) بررسی آرایه‌های معنوی - بررسی نوع گزینش واژه‌ها

۸- در کدام گزینه بررسی واژه‌های مشخص شده به «قلمرو ادبی» مربوط نمی‌شود؟

- (۱) عشقت به دست طوفان خواهد سپرد حافظ
 (۲) خیال خام پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود
 (۳) دست از همه شستم و نشستم به کران
 (۴) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد
- چون برق از این کشاکش پنداشتی که جستی
 و ماه را ز بلندایش به روی خاک کشیدن بود
 چون بی تو گذشت، بگذرد بی دگران
 بهار عارضش خطی ز خون ارغوان دارد

۹- کدام گزینه مصداق مناسبی برای «سطح آوایی یا موسیقایی» در قلمرو ادبی بررسی آثار نیست؟

- ۱) تو هم چون گل ز خندیدن، لب با هم نمی‌آید
 ۲) خیزید و خز آید که هنگام خزان است
 ۳) قربان وفاتم، به وفاتم قدمی نه
 ۴) گل آن جهانی است ننگجد در این جهان
- روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم؟: رابطه بین بلبل و بوتیمار
 باد خنک از جانب خوارزم وزان است: تکرار صامت «خ»
 تا، بوت مگر بشنوم از روزن تابوت: رابطه بین دو واژه «تابوت» و عبارت «تا، بوت»
 در عالم خیال چه گنجد، خیال گل؟: تکرار واژه خیال و گل

۱۰- همه گزینه‌ها در قسمت‌های مشخص شده شامل عبارتی است که در «قلمرو ادبی» زبان مورد توجه قرار می‌گیرد، به جز.....

- ۱) هم چو چنگم، سر تسلیم و ارادت در پیش
 ۲) گفתי به غم بنشین یا از سر جان برخیز
 ۳) ایر و یاد و مه و خورشید و فلک در کارند
 ۴) گفتا: «تو از کجایی؟ کاشفته می‌نمایی»
- تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم
 فرمان برمت جاننا، بنشینم و برخیزم
 تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 گفتا: «منم غریبی از شهر آشنایی»

۱۱- با توجه به عبارت‌های مشخص شده، کدام گزینه به «قلمرو ادبی» توجّهی ندارد؟

- ۱) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری
 ۲) در شجاعت شیر رتانیستی
 ۳) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
 ۴) اگر پای در دامن آری چو کوه
- تو یار غمگساری، تو حور دلربایی
 در مرّوت خود که داند کیستی؟
 تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
 سرت ز آسمان بگذرد در شکوه

۱۲- کدام گزینه در حوزه کاری «قلمرو ادبی» نیست؟

- ۱) بررسی متن از دید تناسب معنایی
 ۲) بررسی متن از دید تناسب آفرین
 ۳) بررسی متن از دید ابزار موسیقی آفرین
 ۴) بررسی متن از دید ساختار واژه‌ها

۱۳- کدام گزینه درباره «دیدگاه‌های مختلف بررسی متن» نادرست است؟

- ۱) در هر سه قلمرو ماده و ابزار اصلی، زبان است.
 ۲) قلمرو زبانی با دیدی علمی به بررسی متون می‌پردازد و از مسائلی نظیر زیبایی‌شناسی برکنار است.
 ۳) قلمرو ادبی نسبت به قلمرو فکری اهمیت بیشتری دارد.
 ۴) قلمرو فکری به باورها، گرایش‌ها و نوع نگرش به جهان در متن توجه می‌کند.

۱۴- در کدام گزینه «قلمرو فکری» شعر و شاعر به درستی مشخص نشده است؟

- ۱) می‌نوش که عمر جاودانی این است
 ۲) مردان رهش میل به مستی نکنند
 ۳) هر گه که مرا حدیث تو یاد آمد
 ۴) من نه آنم که زبونی کشم از چرخ و فلک
- خود حاصلت از دور جوانی این است (شادی‌گرا)
 خودبینی و خویش‌پرستی نکنند (روان‌شناسی)
 با من در و دیوار به فریاد آمد (عشق‌گرا)
 چرخ بر هم زخم ار غیر مرادم گردد (اختیارگرا)

۱۵- در کدام گزینه به «عشق‌گرایی» اشاره نشده است؟

- ۱) خبرت هست که بی روی تو آرامم نیست؟
 ۲) مرا به عشق تو اندیشه از ملامت نیست
 ۳) نیز چه خواهی دگر؟ خوش بزی و خوش بخور
 ۴) مرا اگر دوستی با او به دوزخ می‌برد، شاید
- طاقت بار فراق این همه ایامم نیست؟
 و گر کنند ملامت نه بر من تنهاست
 انده فردا مبر، گیتی خواب است و باد
 به نقد اندر بهشت است آن که یاری مهربان دارد

۱۶- در کدام گزینه «جبرگرایی» قلمرو فکری شاعر است؟

- ۱) دردا که دلم خبر ز دلدار نیافت
 ۲) این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
 ۳) زمانه بی‌انده گشت از بدی
 ۴) زمانه از ورق گل مثال روی تو بست
- از گلبن وصل تو به جز خار نیافت
 می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش
 گرفتند هر کس ره ایزدی
 ولی ز شرم تو در غنچه کرد پنهانش



۱۷- در کدام گزینه «خردگرایی» شاعر محسوس است؟

- ۱) با چرخ مکن حواله کاندر ره عقل
- ۲) نهادم عقل را ره توشه از می
- ۳) دل تو نامه عقل و سخت عنوان است
- ۴) بیا که توبه ز لعل نگار و خنده جام

۱۸- قلمرو «فکری شاعر» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) مشو مقید ویرانه جهان، چون سیل
- ۲) عشق و شباب و رندی، مجموعه مراد است
- ۳) حریف عشق تو بودم، چو ماه نو بودی
- ۴) رنجور عشق به نشود جز به بوی یار

۱۹- در چند بیت از ابیات زیر، تفکر «محلّی - میهنی» دیده می‌شود؟

- آ) تو خواه از روم باش و خواه از چین
- ب) چو ایران نباشد تن من مباد
- پ) زین سفر گر به سلامت به وطن باز رسم
- ت) ای خطه ایران مهین، ای وطن من

۴) چهار

نه قیصر ماند و نه خاقان، دریغا
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
نذر کردم که هم از راه به میخانه روم
ای گشته به مهر تو عجین جان و تن من

۳) سه

۲) دو

۱) یک

۲۰- اگر بیت‌های زیر از میانه یک شعر انتخاب شده باشند، کدام گزینه در قالب شعری «مثنوی» سروده شده است؟

- ۱) غم حال دردمندان نه عجب گرت نباشد
- ۲) گاه سربازی شجاعی گاه شاهی ناامید
- ۳) پرنده آخر عمرش به این نتیجه رسید
- ۴) همان غریبه که قلک نداشت خواهد رفت

که چنین نرفته باشد همه عمر بر تو حالی
روز و شب چیزی به جز تکرار یک شطرنج نیست
که وسعت پر او را قفس نمی‌فهمد
و کودکی که عروسک نداشت خواهد رفت

۲۱- با فرض انتخاب شدن ابیات زیر از میانه اشعار، در همه گزینه‌ها به جز قالب شعر «مثنوی» است.

- ۱) غبار روی زمینیم و آن چنان مغرور
- ۲) رفتیم و عشق را به رقیبان گذاشتیم
- ۳) سر من از ناله من دور نیست
- ۴) جان از سکوت سرد شب دلگیر می‌شد

که پیش پای کسی جز تو بر نمی‌خیزیم
رفتیم و داغ بر دل هجران گذاشتیم
لیک چشم و گوش را آن نور نیست
دل در رکاب آرزوها پیر می‌شد

۲۲- شیوه خواندن واژه «ملک» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) نقش خوارزم و خیال لب جیحون می‌بست
- ۲) آینه سکندر جام می است، بنگر
- ۳) وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر
- ۴) لب شیرینت ار شیرین بدیدی در سخن گفتن

با هزاران گله از ملک سلیمان می‌رفت
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
ذکر تسبیح ملک در حلقه زَنار داشت
بر او شکرانه بودی گر بدادی ملک پرویزت

۲۳- نوع خوانش کلمه «سیر» در همه گزینه‌ها به جز یکسان است.

- ۱) چشم خود را گفتم: «آخر یک نظر سیرش ببین»
- ۲) در مقامات طریقت هر کجا کردیم سیر
- ۳) دلم سیر شد زین سرای سپنج
- ۴) هم‌چو مستقی بر چشمه نوشین زلال

گفت: «می‌خواهی مگر تا جوی خون راند ز من؟»
عافیت را با نظربازی فراق افتاده بود
خدایا مرا زود برهان ز رنج
سیر نتوان شدن از دیدن مهرافزایت

(مستقی = آن‌که بیماری تشنگی

دایمی و مفرط دارد.)

۲۴- نوع خوانش در به پایان بردن مصراع اول، در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) مرغ پرنده اگر در قفسی پیر شود
- ۲) اسیر هجر و نومید از وصالم
- ۳) لرزد دلم ز قامت خم هم‌چو برگ بید
- ۴) عقل روا می‌نداشت گفتن اسرار عشق

هم‌چنان طبع فرامش نکند پروازش
شبیم تاریک و امید سحر نیست
دیوار پی‌گسسته پناه کسی مباد
قوت بازوی شوق بیخ صبوری بکنند

(انسانی رافل ۹۱)

۲۵- در همه ابیات، به جز بیت «حذف به قرینه معنوی» صورت گرفته است.

- (۱) چنان که در نظری در صفت نمی آیی
 (۲) فروغ رای تو مصباح راه های مخوف
 (۳) ابر رحمت بر تو باران سال و ماه
 (۴) بخت را با دوستان اتفاق

۲۶- از میان ابیات زیر، چند بیت را باید به گونه ای خواند که نشان بدهد سخن شاعر در مصراع نخست تمام شده است؟

- (آ) به دام افتاد روباهی سحرگاه
 (ب) چو صیاد آمد او را مرده پنداشت
 (پ) ز بن بریید حالی گوش او لیک
 (ت) به دل روباه گفتا ترک غم گیر
 (ث) زبانش را برید آن مرد ناگاه
 (ج) به دل روباه گفتا: «گر بمانم
 (چ) بگفت این و به صد داستان و تزویر
 (۱) شش (۲) پنج (۳) سه (۴) چهار

۲۷- شیوه خواندن «شدت» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) ای فلان، سوختی خلیق را
 (۲) در غربتم افتاده ز هجران حبیب
 (۳) تا لاله شدت حجاب لؤلؤ
 (۴) بلبلا مشعوف عشق گل مشو

۲۸- نوع ادبی در کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

- (۱) کنون نیزه من به گوشت رسید
 (۲) تو را بر تگ رخس مهمان کنم
 (۳) یکی نیزه زد بر کمر بند اوی
 (۴) مگوی آن که گر بر ملا اوفتد

۲۹- نوع ادبی در کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

- (۱) بیاموزت کیمیای سعادت
 (۲) چو خشم آیدت برگناه کسی
 (۳) جهان ای پسر ملک جاوید نیست
 (۴) من ترک عشق و شاهد و ساغر نمی کنم

۳۰- کدام گزینه با بیت های زیر تناسب مفهومی دارد؟

- «چو نام دل شنید از دور، روباه
 به دل می گفت: «با دل نیست بازی
 (۱) کار عاقل نیست در دل مهر دلبر داشتن
 (۲) در خواب، سر زلف تو می بینم و این را
 (۳) دل ما گرچه اندر ریشه ماست
 (۴) فارغ دل آن کسی که مانند حباب

۳۱- کدام بیت مفهوم متفاوتی نسبت به سایر گزینه ها دارد؟

- (۱) تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
 (۲) جانا به حاجتی که تو را هست با خدا
 (۳) هرگز نکرده ایم توکل به ناخدا
 (۴) تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است

ملک را شدت تو ویران کرد
 از شدت ضعف گشته با مرگ رقیب
 لؤلؤ است همیشه بر رخام
 یاد کن از شدت خار فراق

سرت را به خنجر بخواهم بریید
 سرت را به گوپال درمان کنم
 که بگسست بنیاد و پیوند اوی
 وجودی از آن در بلا اوفتد

ز هم صحبت بد، جدایی جدایی
 تأمل کنش در عقوبت بسی
 ز دنیا وفاداری آید نیست
 صد بار توبه کردم و دیگر نمی کنم

جهان بر چشم او شد تیره، آن گاه
 کنون باید به کارم حيله سازی
 جان نگین مهر مهر شاخ بی بر داشتن
 جز رنج دل شیفته تعبیر چه باشد؟
 ولیکن از جهان ما برون است
 هم در سر میخانه سرانداز شود

که رحم اگر نکند مدعی، خدا بکند
 آخر دمی بپرس که ما را چه حاجت است
 کشتی به جا گذاشته، بی غم نشسته ایم
 راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش



جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه
کنون باید به کارم حيله‌سازی
خنک تنی که دل اول نبست و مهر نباخت
که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت
دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا؟
تا ابد رهنما و رهبر ماست

خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایش
اگر نبود توکل می‌توان کرد
راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایش
بیدل به چه امید توان کرد توکل؟
دستگاه نعمت بی‌خواست بدخو می‌کند

خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایش
بر ناخدا توکل بیش از خداست ما را
سیل بهار همسفر استخاره نیست
تا بادبان کشتی من از توکل است
اختیار آن‌جا که درماند توکل می‌شود

حق دهد مانند مرغان روزیت
ور نه دائم علیل خواهد بود
تا بسته مرا عشق به زنجیر توکل
که در انبان خود اندیشه نان نگذاری

۳۶- همه گزینه‌ها با بیت «هرکه می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بر زبان، بندگرانی از تأمل بایش»، تناسب معنایی دارند، به جز

نوشستن را و گفتن را نشاید
که از کلام سنجیده خوار گردد مرد
طفلی است که بازی‌گه او بر لب بام است
که حلوا چو یک‌بار خوردند، بس

چو نوبت سخن آید ستوده گوی کلام
کو حالت بشنیده و کو حالت دیده؟
تا ز اندک تو جهان شود پر
بر زبان بندگرانی از تأمل بایش

دانه چون در آسیا افتد تحمل بایش
گندمم را سوی آسیا می‌کشد
بی‌صبر و قرار و بی‌سکون باد
تا بر آتش ننهی بوی نیاید ز عبیر
کار خود را این زمان اندیشه کن

۳۲- کدام گزینه با ابیات زیر تناسب معنایی ندارد؟

«چو نام دل شنید از دور، روباه
به دل می‌گفت: «با دل نیست بازی
(۱) چو دل به قهر بیاید گسست و مهر برید
(۲) برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است
(۳) چرا به عالم اصلی خویش و انروم؟
(۴) آتشی کز تو در نهاد دل است

۳۳- کدام گزینه با بیت زیر ارتباط مفهومی دارد؟

«هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایش
(۱) تردد مایه بازار هستی است
(۲) تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است
(۳) خجلت شمر فرصت پرواز شراریم
(۴) با توکل کس نمی‌پرداخت گر می‌داشت شرم

۳۴- کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

«هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایش
(۱) آید چه سان به ساحل سالم سفینه (کشتی) ما؟
(۲) خضر مسافران توکل عزیمت است
(۳) بر روی دست باد مراد است سیر من
(۴) عجز طاقت کرد ما را محرم امداد غیب

۳۵- کدام گزینه با سایر ابیات تناسب مفهومی ندارد؟

(۱) بر توکل گر بود فیروزیت
(۲) گر توکل کند دوا یابد
(۳) چون شیر دهد طعمه‌ام از مغز پلنگان
(۴) زادراه سفر دور توکل این است

۳۶- همه گزینه‌ها با بیت «هرکه می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود / بر زبان، بندگرانی از تأمل بایش»، تناسب معنایی دارند، به جز

(۱) سخن کاو از سر اندیشه ناید
(۲) سخن چو گویی سنجیده گوی در مجلس
(۳) «صائب» شود آن کس که سنجیده سخن ساز
(۴) چو یک‌بار گفتی مگو باز پس

۳۷- مفهوم کدام گزینه در ابیات زیر متفاوت است؟

(۱) چو وقت کار شود، باش چابک اندر کار
(۲) ای آن‌که شنیدی سخن عشق، ببین عشق
(۳) کم گوی و گزیده گوی چون دُر
(۴) هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود

۳۸- کدام گزینه با بیت زیر هم‌مفهوم است؟

«صبر بر جور فلک کن تا بر آیی روسفید
(۱) لذت نان شدن زیر دندان او
(۲) هر جا که دلی است در غم تو
(۳) این حدیث از سر ددی است که من می‌گویم
(۴) این زمان اندیشه بی‌کار است و فکر

۳۹- مفهوم کدام بیت با بیت زیر متفاوت است؟

دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش»
که یحتمل که اجابت بود دعایی را
از آن به هرزه شکایت نمی‌کنند احرار (= آزادگان)
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت
که جور می‌کند ایام و ما شکیبییم

«صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید
۱) دعای سعدی اگر بشنوی زبان نکنی
۲) جفای چرخ بسی دیده‌اند اهل هنر
۳) پس از چندین شکیبایی شی یا رب توان دیدن
۴) در این دو روزه هستی همین فضیلت ما

۴۰- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

که آب چشمه حیوان درون تاریکی است
دانی که رسیدن هنر گام زمان است
عاشقان را نبود چاره به جز مسکینی
گر ملالی بود، بود و گر خطایی رفت، رفت

۱) ز کار بسته میندیش و دل شکسته مدار
۲) گر مرد رهی غم مخور از دوری و دیری
۳) صبر بر جور رقیبت چه کنم گر نکنم؟
۴) عشق‌بازی را تحمل باید ای دل، پای دار

۴۱- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

رند از ره نیاز به دارالسلام رفت
هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
وز ما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
هر آن که کرد اندر زمین چهل غرور

۱) زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه
۲) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
۳) از وی همه مستی و غرور است و تکبر
۴) یقین بدان که بلاشک ندامت آرد بار

۴۲- در کدام گزینه مفهوم بیت با بیت زیر یکسان است؟

از کنار ابر تا دریا تنزل بایدش»
بدعهدی زمانه زمانم نمی‌دهد
عشوه‌ای زان لب شیرین شکر بار بیار
بر زمستان صبر باید طالب نوروز را
صبر از این بیش ندارم، چه کنم تاکی و چند؟

«قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن
۱) شکر به صبر دست دهد عاقبت ولی
۲) کام جان تلخ شد از صبر که کردم بی‌دوست
۳) کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست
۴) گفتم اسرار غمت هر چه بود گو می‌باش

۴۳- مفهوم کدام بیت با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی
دل اگر تنگ شود مهر تبدل نکند
بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
که صبح از شب و دیدار هم ز دور آید

۱) تعجیل فراوان عمل شیطان است
۲) چه کند بنده که بر جور تحمل نکند
۳) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
۴) پس از تحمل سختی، امید وصل مراست

۴۴- کدام یک از گزینه‌های زیر، در مرحله چشم‌خوانی یک متن انجام نمی‌شود؟

۱) تلاش برای دستیابی به آگاهی برون‌متنی

۱) تلاش برای دستیابی به آگاهی برون‌متنی

۲) بی‌توجهی به موضوع و محتوا

۲) گذر دادن چشم با سرعت از میان سطرها و صفحات

۴۵- چه تعداد از گزینه‌های زیر درباره «مرحله چشم‌خوانی» درست است؟

۱) ایجاد فرصت برای تفکر و تأمل در سراپای متن

آ) بررسی متن مورد نظر در یک نگاه اجمالی

۲) آگاهی از ساختار متن؛ مانند تعداد صفحات، بخش، فصل یا قسمت و ...

پ) آشنایی با سرگذشت نویسنده

۳) سه

۱) یک

۴۶- کدام یک از گزینه‌های زیر از مراحل ورود به دنیای متن نیست؟

۱) شناسایی و استخراج نکات اخلاقی ۲) شناسایی و استخراج نکات فکری ۳) شناسایی و استخراج نکات ادبی ۴) شناسایی و استخراج نکات زبانی

۴۷- در کدام گزینه حرف «را» در معنای «برای» به کار رفته است و این موضوع مربوط به شناسایی و استخراج کدام قلمرو برای ورود به دنیای یک متن است؟

۱) آن مرد در اثنای این گرفتاری، خلاص خود را طریقی می‌جست. - زبانی

۲) از دهایی سهمناک دید که دهن گشاده و افتادن او را نظاره می‌کرد. - زبانی

۳) من دنیا را به چاه پرافت مانند کردم و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است. - ادبی

۴) لذات این جهانی راه نجات را بر آدمی بسته می‌گرداند. - ادبی



۴۸- کاربرد تمامی واژگان کدام گزینه امروزه نیز رایج است؟

- ۱) خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد.
- ۲) هم‌چون آن مرد است که از پیش اشتر مست بگریخت.

۴۹- کدام گزینه درباره نکات زبانی متن زیر درست نیست؟

«آن مرد خلاص خود را به طریقی می‌جست، پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شاهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است.»

- ۱) ترکیب «زنبورخانه» به معنی لانه زنبور است.
- ۲) «شهد» در معنای عسل به کار رفته است.
- ۳) نشانه «نه» منفی‌ساز فعل
- ۴) جملات بلند و دشوار است و از کلمات قدیمی استفاده شده.

(انسانی داخل ۹۱)

۵۰- حرف «را» در کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یکی را اجل در سر آورد چیش
- ۲) طمع را نه چندان دهان است باز
- ۳) در آن روز کز فعل پرسند و قول
- ۴) تو را نفس رعنا چو سرکش ستور

۵۱- مفهوم کدام گزینه با بیت زیر تناسب بیشتری دارد؟

- «گرچه دانسی که نشنوند، بگویی»
- ۱) نصیحتی کنمت، بشنو و بهانه مگیر
 - ۲) من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم
 - ۳) محلّ قابل و آنگه نصیحت قائل
 - ۴) ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است

سر آمد بر او روزگاران عیش
که بازش نشیند به یک لقمه از
اولوالعزم را تن بلرزد ز هول
دوان می‌برد تا به سرشیب گور

هر چه دانسی ز نیک‌خواهی و پند
هر آن چه ناصح مشفق بگویدت، بپذیر
تو خواه از سخنم پندگیر و خواه ملال
چو گوش هوش نباشد، چه سود حسن مقال؟
برادران طریقت، نصیحتم مکنید

۵۲- پیام کدام گزینه با عبارت «خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد» یکسان است؟

- ۱) این کیسه گشاده از سخاوت
- ۲) مرا دخل و خرج از برابر بُدی
- ۳) خرج بی‌دخل خدایی است، ز دنیا مطلب
- ۴) صرف می‌شد به خرج مهمانان

۵۳- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

«خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد. اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است.»

- ۱) کوه از یک حرف ناسنجیده می‌گردد سبک
- ۲) عیب یاران و دوستان هنر است
- ۳) از سخن گفتنش چنان مستم
- ۴) سخن عشق تو بی آن که برآید به زانم

۵۴- کدام بیت با عبارت زیر بیانگر اعتقادی مشترک است؟

«گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.»

- ۱) بس در طلبت سعی نمودیم و نگفتی
- ۲) طمع مدار وصالی که بی فراق آید
- ۳) از صدهزار خرمن یک دانه است عالم
- ۴) در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود

کاین هیچ کسان در طلب ما چه کسانند
هرآینه (= قطعاً) پس هر مستی‌ای خمار آید
با صدهزار عالم پس دانه‌ای چه سنجد؟
کاین شاهد بازاری و آن پرده‌نشین باشد

۵۵- پیام کدام گزینه می‌تواند در ادامه عبارت «آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است.» قرار بگیرد؟

- ۱) رو در آن قبله دعا آورد
- ۲) ندبم و مطرب و ساقی همه اوست
- ۳) خیره‌سر گر نپذیرفت ادب، بگذارش
- ۴) بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد

۵۶- در کدام گزینه به مفهوم عبارت زیر اشاره شده است؟

«هرآینه باید بدو پیوست و آن‌گاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.»

- ۱) آن روز پشیمانی و حسرت نکند سود
- ۲) از ابر پشیمانی اشکی دو فروبار
- ۳) افسوس که سرمایه ز کف بیرون شد
- ۴) نیستیم از دوریات با داغ حرمان، نیستیم

۵۷- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی ندارد؟

«هرآینه باید بدو پیوست و آن‌گاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.»

- ۱) باران بی‌محل ندهد نفع، کشت را
- ۲) امروز که در دست توام، مرحمتی کن
- ۳) رفت پنجه سال و حسرت می‌خوری اکنون، ولی
- ۴) دگر به صید حرم تیغ برمکش، زنهار

۵۸- کدام گزینه با عبارت زیر ارتباط مفهومی دارد؟

«چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند.»

- ۱) چون عاقبت کار جهان نیستی است
- ۲) اگر سرای جهان را سر خرابی نیست
- ۳) دل در جهان میند و به مستی سؤال کن
- ۴) ساقی به نور باده برافروز جام ما

۵۹- نخستین گام در رویارویی با متن چیست؟

- ۱) خواندن دقیق متن
- ۲) درک ارتباط طولی و فهم محتوا
- ۳) تعیین نوع متن
- ۴) کشف لحن و آهنگ

۶۰- چند مورد از موارد زیر، در هنگام بررسی متون ادبی در حوزه شناسایی و استخراج نکات زبانی قرار می‌گیرد؟

- آ) ترکیب‌سازی
- ب) وجود تشبیه و مراعات نظیر
- پ) ساختمان واژگان
- ت) نوع قرارگیری قافیه در شعر

- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) سه
- ۴) چهار

۶۱- چنانچه در مصراع «حضوری گر همی خواهی از او غایب مشو حافظ» ارتباط معنایی میان دو واژه «حضور و غایب» را مورد بررسی قرار دهیم، این

بررسی به ترتیب در کدام قلمرو و کدام سطح جای می‌گیرد؟

- ۱) قلمرو ادبی - سطح بیانی
- ۲) قلمرو زبانی - سطح بیانی
- ۳) قلمرو ادبی - سطح بدیع معنوی
- ۴) قلمرو زبانی - سطح بدیع معنوی

۶۲- چنانچه در بیت زیر تکرار حرف «خ» مورد توجه و بررسی قرار گیرد، این بررسی به ترتیب در کدام قلمرو و سطح قرار می‌گیرد؟

«خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم، وزان است»

- ۱) قلمرو زبانی - سطح بررسی حروف
- ۲) قلمرو ادبی - سطح بررسی حروف
- ۳) قلمرو زبانی - سطح آوایی
- ۴) قلمرو ادبی - سطح موسیقایی

۶۳- اگر در بیت «از روی تلخ توست چنین مرگ ناگوار / این زهر را به جبهه واکرده نوش کن» ساختمان واژه «ناگوار» را مورد بررسی قرار دهیم، این بررسی،

به ترتیب در کدام قلمرو و سطح جای می‌گیرد؟

- ۱) قلمرو ادبی - سطح واژگانی
- ۲) قلمرو ادبی - سطح بیانی
- ۳) قلمرو زبانی - سطح واژگانی
- ۴) قلمرو ادبی - سطح بیانی

۶۴- نوع نگرش شاعر به دنیا در بیت زیر چگونه است و این نگاه در کدام قلمرو جای می‌گیرد؟

«وقت کشتن نظری جانب قاتل کردند / تیغ بر گردن عشاق چه منت‌ها داشت!»
 (۱) خردگرا - قلمرو ادبی (۲) عشق‌گرا - قلمرو ادبی (۳) عشق‌گرا - قلمرو فکری (۴) خردگرا - قلمرو فکری

۶۵- کدام گزینه با بیت «هرکه زین گلشن لبی خندان تر از گل بایدش / خاطری فارغ ز عالم چون توگل بایدش» تناسب مفهومی دارد؟

(۱) صبر در چنگ شوق مغلوب است
 (۲) عجز طاقت کرد ما را محرم امداد غیب
 (۳) چون به توگل شدم اندیشه‌سنج
 (۴) هر چند بحر عشق ندارد کناره‌ای

۶۶- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

(۱) ده هزاران وام کسری از مه‌مان
 (۲) هر که دانه نفشاند به زمستان در خاک
 (۳) به بوی رحمت فردا عمل کند عامل
 (۴) هر کاو عمل نکرد و عنایت امید داشت

۶۷- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

(۱) دل منه بر سیم و بر سیمین‌بران دهر از آنک
 (۲) تن در این طاس نگون، مانند موری عاجز است
 (۳) فکر کن بر خاک و مگذر هم‌چو باد ای بی‌خبر
 (۴) صد هزاران سروران را سر در این ره گوی شد

۶۸- مفهوم «مقام» در کدام بیت متفاوت است؟

(۱) گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
 (۲) من این مقام به دنیا و آخرت ندهم
 (۳) راز درون پرده ز رندان مست پرس
 (۴) هم‌چو حافظ غریب در ره عشق

۶۹- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق
 (۲) غم دنیایی چند خوری؟ باده بخور
 (۳) هش دار که گر وسوسه عقل کنی گوش
 (۴) شد عمر گرامی همه در مدرسه‌ها صرف

۷۰- مفهوم کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

«قطره‌آبی که دارد در نظر گوهر شدن / ای مدّعی زاهد، غرّه به طاعت خود
 (۱) ای گل، به شکر آن‌که تویی پادشاه حسن
 (۲) الا ای یوسف مصری، که کردت سلطنت مغرور
 (۳) بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غرّه
 (۴) از کنار ابر تا دریا تنزل بایدش»

۷۱- کدام گزینه با عبارت زیر متناسب است؟

«چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذّات این جهانی که فایده‌آن، اندک و رنج آن، بسیار است و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند.»

(۱) گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
 (۲) دانی که بر نگین سلیمان نقش تو بود؟
 (۳) هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد
 (۴) مرا به کار جهان هرگز التفات نبود

(انسانی فارغ ۹۳)

(انسانی فارغ ۹۵)



سازها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی

دیباچه درس

از اول دبستان تا سال کنکور، هر سالی که می‌گذره و وارد مقطع تحصیلی جدید میشیم، ما معلما همیشه می‌گیم مثلاً علی! بزرگ شدی دیگه این پوری نکن! حسین اومدی کلاس دهم دیگه بسه این کار! و این هر سال ادامه داره و هیچ وقت تموم نمیشه! بچه‌ها بزرگ میشن، ولی تذکر «بزرگ شدی دیگه بسه» تموم نمیشه!

اما من تا به حال پاپی اینو نگفتم!

ولی الان واسه اولین و آخرین بار می‌گم که از درس «ا» به بعد وارد بخش فنی کتاب میشیم؛ پاپی که علاوه بر مطالعه و یادگیری، نیاز به کسب مهارت داری! اون هم از نوع خاص ادبیش!

درس پیش رو مقدمات و کلیاتی درباره شعر، وزن و بقیه مسائل مهم و تأثیرگذار روی شعر فارسیه!

کلید مهمیه واسه قفل در سای بصری!

بریم سرغ در ستاره...

عوامل پیدایش شعر

همه ملت‌ها و به‌طور کل انسان‌ها، از گذشته‌های دور نسبت به موسیقی و شعر احساس خوبی داشتند و در اصل شعر و موسیقی، هر دو برای برانگیختن حس و حال عاطفی به‌کار می‌روند.

عوامل پیدایش شعر

- عاطفه (اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر)
- وزن

عاطفه (اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر)

تعریف: عاطفه: منظور از عاطفه، حالت روحی و روانی است که شاعر از رویداد حادثه‌ای در وجود خود احساس می‌کند و تلاش می‌کند دیگران را در این احساس، سهیم کند.

وسيلة انتقال عاطفه، زبان است.

وزن (مهم‌ترین و مؤثرترین عامل پس از عاطفه)

نحوه استفاده از زبان برای انتقال عاطفه: انتخاب واژه‌هایی که با قرار گرفتن در کنار هم آهنگ خاصی را پدید آورند. (این آهنگ خاص همان وزن است).

وسيلة درک وزن، حواس انسان است.

تعریف: وزن: وزن ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. وزن امری حسی است و بیرون از ذهن کسی که آن را می‌فهمد، وجود ندارد.

وزن در شعر جنبه تزئینی ندارد و از ارکان اصلی شعر است.

نکته: دلیل استفاده از وزن برانگیختن عواطف است. انتظار آدمی از شعر این است که بتواند آن را زمزمه کند و دلیل این‌که انسان بیشتر شعر می‌خواند تا نثر هم همین وزن و آهنگ است.

کتاب‌های مقدس که با کشش و جاذبه آهنگ و کلام موزون تأثیر خود را بیشتر کرده‌اند هم، نمونه‌ای از استفاده از وزن هستند.

طریقه کشف لحن: توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن

فایده تشخیص لحن مناسب: خواندن دلنشین‌تر و درک راحت‌تر اثر و محتوای اثر

در ادامه با آوردن نمونه‌هایی با اهمیت وزن و آهنگ بیشتر آشنا می‌شویم:

درس دوم - سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی

۱۲- از فردوسی - در قالب مثنوی - نوع ادبی: حماسی

خروش آمد و ناله کز نای
زمین آمد از سم اسپان به جوش
چو برخاست از دشت گرد سپاه
که آمد سپاهی چو کوه گران
ز تیغ دلبران هوا شد بنفش
برآمد خروشی سپاه از دو روی
تأثیر وزن و آهنگ: وزن و آهنگ کوبنده، کوتاه، ضربی و تند، بار فضای حماسی شعر را بهتر و غنی تر می‌کند؛ یعنی وزن و آهنگ با محتوا هماهنگی کامل دارند.

۱۳- از سعدی - در قالب غزل - نوع ادبی: غنایی

ما همه چشمیم و تو نور ای صنم
روی میوشان که بهشتی بود
حور خطا گفتم اگر خواندمت
تا به کرم خرده نگیری که من
سعدی از این چشمه حیوان که خورد
تأثیر وزن و آهنگ: به کار بردن وزنی ضربی و شورانگیز و انتقال حالت نشاط و شادی درونی او به خواننده

۱۴- از مولوی - در قالب غزل - نوع ادبی: غنایی

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا
گفت که سرمست نه‌ای، رو که از این دست نه‌ای
گفت که تو شمع شدی، قبله این جمع شدی
گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری
شکر کند چرخ فلک، از ملک و ملک و ملک
تأثیر وزن و آهنگ: هم‌سویی وزن و عاطفه و تکرار منظم موسیقی بر قدرت اثرگذاری این سروده افزوده است.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۷۲- اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر چیست و شاعر برای انتقال آن از چه چیزی کمک می‌گیرد؟

- (۱) عاطفه - زبان (۲) بلاغت - زبان (۳) عاطفه - وزن (۴) بلاغت - وزن

۷۳- فضای ترسیم‌شده در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) زمین آمد از سم اسپان به جوش
(۲) چو برخاست از دشت گرد سپاه
(۳) ز تیغ دلبران هوا شد بنفش
(۴) که آمد سپاهی چو کوه گران

۷۴- ابیات زیر چه حسی را به مخاطب منتقل می‌کند؟

- «ما همه چشمیم و تو نور ای صنم
روی میوشان که بهشتی بود
حور خطا گفتم اگر خواندمت

- (۱) غم و اندوه (۲) شادی و نشاط

۷۵- کدام گزینه بیانگر دلیل تأثیرگذاری بیشتر ابیات زیر است؟

- «مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا
گفت که سرمست نه‌ای، رو که از این دست نه‌ای

- (۱) هم‌سویی وزن و عاطفه (۲) کشف لحن

- به ابر اندر آمد فغان و خروش
کس آمد بر رستم از دیدگاه
برفتند با کاویانی درفش
همه رزمجویان کن‌آوران

- چشم بد از روی تو دور ای صنم
هر که ببیند چو تو حور ای صنم
ترک ادب رفت و قصور ای صنم

- (۳) سرخوردگی و پشیمانی (۴) شگفتی و حیرت

- دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم
زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم
رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم

- (۳) حالت شادی و نشاط درونی شعر (۴) آهنگ کوبنده، کوتاه، ضربی و تند شعر

۷۶- «عاطفه و وزن» در کدام گزینه همسو نیستند؟

- ۱) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
- ۲) ای مهر تو در دل‌ها وی مهر تو بر لب‌ها
- ۳) حال دل با تو گفتنم هوس است
- ۴) جهانها چه بدمهر و بدخو جهانی

۷۷- عاطفه در کدام بیت با بیت زیر مشابه است؟

- «ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود
- ۱) یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
 - ۲) مرو ای دوست که ما بی تو نخواهیم نشست
 - ۳) ای نفس خرم باد صبا
 - ۴) مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم

۷۸- همهٔ گزینه‌ها با بیت «بیا تا همه دست نیکی بریم / جهان جهان را به بد نسپریم» هم‌مفهوم است، به جز

- ۱) عاقبت از غبار می‌ماند، هیهات
- ۲) ای که دستت می‌رسد کاری بکن
- ۳) ای روی تو آرام دل خلق جهانی
- ۴) مکن تا توانی دل خلق ریش

کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها
وی شور تو در سرها، وی سر تو در جان‌ها
خبر دل شنفتنم، هوس است
چو آشفته بازار بازارگانگی

وان دل که با خود داشتیم، با دلستانم می‌رود
غمخوارهٔ یاران شد، تا باد چنین بادا
میر ای یار که ما بی تو نخواهیم برید
از بر یار آمده‌ای مرحبا
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

۷۹- کدام گزینه با بیت «گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها» تناسب ندارد؟

- ۱) انصاف نباشد که من خستهٔ رنجور
- ۲) هر که از یار تحمل نکند یار مگویش
- ۳) به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق
- ۴) خون ما گر ریخت در کویت چه باک؟

پروانهٔ او باشم و او شمع جماعت
وان که در عشق ملامت نکشد مرد مخوانش
مژه بر هم زنگر بزی تیر و سناش
خون‌بهای ماست خاک کوی تو

می‌گویم و بعد از من، گویند به دوران‌ها
دهقان جهان کاش که این بذر نکشتی
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
انده دل نگفتم، الا یک از هزاران
به صد دفتر نشاید گفت حسب‌الحال مشتاقی

۸۱- کدام گزینه با بیت «یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی / غمخوارهٔ یاران شد، تا باد چنین بادا» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) معشوقه به سامان شد، تا باد چنین بادا
- ۲) یار باز آمد و بوی گل و ریحان آورد
- ۳) عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد
- ۴) ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد

شیخ نی‌ام، پیش نی‌ام، امر تو را بنده شدم
تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز
ترک سر خود گفتن زیبا هنری باشد
آفتاب از شرم پنهان می‌شود
ترک کام خود گرفتم تا برآید کام دوست

۸۳- در بیت «طمع خام بین که قصهٔ فاش / از رقیبان نهفتنم هوس است» معنای واژهٔ «نهفتم» در کدام گزینه تکرار شده است؟

- ۱) سعدی به جور و جفا مهر از تو برکنند
- ۲) هان! مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب
- ۳) خواب از آن چشم، چشم نتوان داشت
- ۴) سرایی را که صاحب نیست، ویرانی است معمارش

من خاک پای توام، و خون من بخوری
باشد اندر پرده بازی‌های پنهان، غم مخور
که ز سر برگذشت سیلابش
دل بی‌عشقی، می‌گردد خراب آهسته آهسته

